

### مناظره

شنیده اید میان دو قطره خون چه گذشت  
گه مناظره ، يك روز بر سر گذری  
یکی بگفت به آن دیگری ، تو خون که ای  
من اوفتاده‌ام اینجا، ز دست تاجوری  
بگفت ، من بچکیدم ز پای خار کنی  
ر رنج خار، که رفنش بپا چو نیشتی  
جواب داد ز يك چشمه‌ایم هر دو، چه غم  
چکیده ایم اگر هر يك از تن دگری

۵ - ز ما دو قطره كوچك چه كار خواهی داشت  
بیا شویم یکی قطره بزرگتری  
براه سعی و عمل ، با هم اتفاق کنیم  
که ایمنند چنین رهروان ز هر خطری  
بخنده گفت ، میان من و تو فرق بسی است  
تویی ز دست شهبی، من ز پای کارگری  
برای هم‌ری و اتحاد باچو منی  
خوش است اشك یتیمی و خون رنج‌بری  
تو از فراغ دل و عشرت آمدی بوجود  
من از خمیدن پشتی و زحمت کمری

۱۰ - ترا به مطبخ شه ، پخته شد همیشه طعام  
مرا به آتش آهی و آب چشم تری  
تو از فروغ می‌تاب ، سرخ رنگت شدی  
من از نکوهش بخاری و سوزش جگری

\* \* \*